

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از : روسیه امروز
نویسنده: دیمیتری ترنین*
برگردان: سایت «۱۰ مهر»
۱۲ سپتمبر ۲۰۲۲

پس از ۶ ماه، امید روسیه برای دستیابی به چه چیزی است؟



Sputnik Alexei Maischew

با این حال، هیچ یک از این نتایج به مشکل اساسی که پوتین برجسته کرده است، نمی‌پردازد، یعنی این که روسیه باید در کنار دولتی زندگی کند که دائماً به دنبال انتقام است و مورد استفاده ایالات متحده قرار خواهد گرفت که در تلاش برای تهدید و تضعیف روسیه، آن را تسلیح و هدایت می‌کند. این اصلی‌ترین دلیل پشت استدلال برای تسخیر کل خاک اوکراین تا مرز پولند است.

آخرین اظهارات پوتین نشان می‌دهد که تفکر مسکو تغییر کرده است و دیگر سازش در دستور کار نیست. هفته گذشته، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از اوکراین به‌عنوان «سرزمینی تحت محاصره ضد روس‌ها» یاد کرد که باید حذف شود. او همچنین گفت که سربازان روسی که در عملیات نظامی در آنجا شرکت می‌کنند برای «کشور خود» می‌جنگند. این اظهارات دارای پیامدهای مهمی است.

در بیش از شش ماه گذشته، شعار مقامات روسیه این بوده است که تمام اهداف تهاجمی محقق خواهد شد. با این حال، اهداف خاص، مانند این که نیروهای مسکو در اوکراین، چه طرحی برای پیشروی و تا به کجا دارند، هرگز مشخص نشده است. این نمی‌تواند به گمانه‌زنی‌هایی منجر شود که کرملین واقعاً امیدوار است بدان دست یابد.

با این حال، تنها کسی که می‌تواند به‌طور مقتدرانه به این سؤال پاسخ دهد، رئیس‌جمهور است و حدس و گمان زدن درباره آن معنایی ندارد. با این حال، دو چیز نمی‌تواند از توجه نزدیک دور بماند. یکی رادیکالیزه شدن موضع مسکو

در مورد اوکراین در نتیجه سیاست‌های غرب و اقدامات کیف است. دوم، شکاف بزرگتر بین حداقل نتیجه کارزار نظامی است که روسیه می‌تواند به آن رضایت دهد، و حداکثر میزانی که امریکا و متحدانش می‌توانند بپذیرند. حدود شش سال پس از امضای دومین توافقنامه مینسک در سال ۲۰۱۵، کرملین تلاش زیادی کرد تا آن توافق را اجراء کند. این امر می‌توانست وضعیت خودمختار دونباس را در اوکراین تضمین کند و منطقه را بر سیاست‌ها و سیاست‌های ملی، از جمله در موضوع جهت‌گیری ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشور، تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، از همان ابتداء، کیف تمایلی به همکاری در اجرای این قرارداد نداشت و آن را یک برد برای مسکو تلقی کرد. واشنگتن، در تعقیب سیاست مهار روسیه، چنین موضع انسدادی را تشویق کرد، در حالی که برلین و پاریس، به‌طور رسمی ضامنان توافق (در کنار روسیه)، هیچ اهمی در کیف نداشتند و در نهایت موضع اوکراین را پذیرفتند.

انتخاب ولادیمیر زلنسکی به ریاست‌جمهوری اوکراین در سال ۲۰۱۹، در ابتداء به‌نظر می‌رسید که گشایشی برای صلح باشد و رئیس‌جمهور پوتین برای اجرای توافق مینسک تلاشی جدی انجام داد. اما پس از اندک زمانی کیف از مواضع خود باز هم عقب‌نشینی و موضع تندتری نسبت به قبل اتخاذ کرد. با این وجود، تا اواسط سال ۲۰۲۱، کرملین همچنان به‌عنوان اهداف خود در اوکراین، حل مسأله دونباس را اساساً بر اساس توافقنامه مینسک و در نهایت به رسمیت شناختن واقعی وضعیت کریمه روسیه می‌دید. اما در جون سال گذشته، ولادیمیر پوتین درباره روابط روسیه و اوکراین مقاله‌ای طولانی منتشر کرد و به‌وضوح نشان داد که وضعیت کنونی را یک مسأله امنیتی، سیاسی و هویتی بزرگ برای کشورش می‌داند؛ مسؤولیت شخصی خود را تشخیص می‌دهد؛ و مصمم است کاری برای اصلاح ستراتیژیک آن انجام دهد. این مقاله نقشه بازی پوتین را نشان نداد، اما تفکر اساسی او را در مورد اوکراین بیان کرد.

در دسمبر گذشته، مسکو بسته‌ای از پیشنهادات را به واشنگتن ارسال کرد که شامل فهرستی از تضمین‌های امنیتی برای روسیه بود. اینها شامل بی‌طرفی رسمی اوکراین بین روسیه و ناتو بود («اوکراین نباید به عضویت ناتو درآید»); تسلیحات و پایگاه‌های نظامی ایالات متحده و ناتو نباید در اوکراین استقرار یابد و همچنین تمرینات نظامی در خاک اوکراین ممنوع شود («نه به ناتو در اوکراین»). در حالی که ایالات متحده پذیرفت که در مورد برخی از مسائل فنی - نظامی که در مقاله روسی به آن پرداخته شده است، بحث کند، اما درخواست‌های کلیدی مسکو در رابطه با اوکراین و ناتو را رد کرد. پوتین مجبور شد پاسخ منفی را بپذیرد.

درست قبل از شروع عملیات نظامی خود، مسکو دو جمهوری دونباس را به رسمیت شناخت و از کیف خواست که بخش‌هایی از دونتسک و لوگانسک را که در آن زمان تحت کنترل اوکراین بود، تخلیه کند - در غیراین‌صورت با عواقب آن مواجه خواهد شد. کیف امتناع کرد و خصومت‌ها آغاز شد. دلیل رسمی روسیه برای ارسال نیرو، دفاع از دو جمهوری تازه به رسمیت شناخته شده بود که درخواست کمک نظامی کرده بودند.

مدت کوتاهی پس از آغاز جنگ، روسیه و اوکراین مذاکرات صلح را آغاز کردند. در اواخر مارچ ۲۰۲۲ در جلسه‌ای در استانبول، مسکو از دولت زلنسکی خواست که حاکمیت دو جمهوری دونباس را در مرزهای قانون اساسی آنها و همچنین حاکمیت روسیه بر کریمه را که در سال ۲۰۱۴ به‌طور رسمی در فدراسیون روسیه ادغام شد، به رسمیت بشناسد و همچنین وضعیت بی‌طرفی و غیرنظامی برای قلمرو تحت کنترل کیف را بپذیرد. در آن زمان، مسکو هنوز مقامات فعلی اوکراین را به رسمیت می‌شناخت و آماده برخورد مستقیم با آنها بود. به نوبه خود، کیف در ابتداء آماده پذیرش خواسته‌های مسکو به‌نظر می‌رسید (که توسط بسیاری در داخل روسیه به‌عنوان امتیاز دادن بیش از حد به اوکراین مورد انتقاد قرار گرفت)، اما سپس به‌سرعت موضعی تند اتخاذ کرد. مسکو همیشه مشکوک بوده است که این

چرخش، مانند موارد قبلی، نتیجه نفوذ پشت پرده ایالات متحده است که اغلب توسط بریتانیا و سایر متحدان نیز حمایت می‌شود.

از بهار سال ۲۰۲۲، با ادامه جنگ، مسکو اهداف خود را گسترش داد. اینها اکنون شامل «نازی‌زدایی» اوکراین می‌شود، یعنی نه تنها حذف عناصر افراطی ملی‌گرا و ضد روسی از دولت اوکراین (که توسط مقامات روسی به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان «رژیم کیف» شناخته می‌شود)، بلکه به معنای از بین بردن ایدئولوژی زیربنایی آنها (بر اساس نظرات استپان باندرا، همکار نازی در جنگ جهانی دوم) و تأثیر آن در جامعه، از جمله در آموزش، رسانه، فرهنگ و سایر حوزه‌ها می‌باشد.

در کنار این، مسکو چیزی را اضافه کرد که پوتین به شیوه کاملاً مشخص و کنایه‌آمیز خود آن را «کمون‌زدایی» اوکراین نامید، یعنی خلاصی کشوری که رهبری آن گذشته شوروی خود را رد می‌کند، از مناطق روس‌نشین یا روس‌زبان که توسط رهبران کمونیست در مسکو، ولادیمیر لنین، جوزف ستالین و نیکیتا خروشچف به جمهوری شوروی اوکراین اعطا شده بود که این مناطق علاوه بر دونباس، کل جنوب شرقی اوکراین، از خارکف تا اودسا را شامل می‌شود.

این تغییر سیاست منجر به حذف سیگنال‌های اولیه مبنی بر به رسمیت شناختن دولت اوکراین در خارج از دونباس و استقرار ارگان‌های دولتی - نظامی روسیه در قلمروئی شد که توسط نیروهای روس تصرف شده بود. بلافاصله پس از آن، تلاش برای ادغام عملی این مناطق با مسکو آغاز شد. در اوایل پائیز ۲۰۲۲، تمام خرسون، بخش اعظم زاپروژیه و بخشی از استان‌های خارکف در سیستم اقتصادی روسیه ادغام شدند؛ در آنها استفاده از روبل روسیه آغاز شد؛ سیستم آموزشی روسیه به اجراء درآمد؛ و به جمعیت آنها آینده خوب شهروندی روسیه پیشنهاد گردید.

از آنجایی که جنگ در اوکراین به سرعت به یک جنگ نیابتی بین روسیه و غرب به رهبری ایالات متحده تبدیل گردید، دیدگاه روسیه در مورد آینده اوکراین رو به رادیکال شدن گذاشت. در حالی که توقف سریع خصومت‌ها و حل و فصل صلح بر اساس شرایط روسیه در بهار، باعث می‌شد اوکراین، منهای دونباس، غیرنظامی و خارج از ناتو باقی بماند، اما از آنجا که چنین اتفاقی نیفتاد، تحت رهبری کنونی با ایدئولوژی شدید ضد روسی و تکیه بر غرب، دولت جدید با چنین تفکری، برای روسیه همانطور که پوتین در کالینینگراد اظهار داشت، هر کشور اوکراینی را که به‌طور کامل و مطمئن از ایدئولوژی افراطی ناسیونالیستی و عوامل آن پاکسازی نشده باشد، به‌عنوان یک خطر آشکار و بالفعل تلقی می‌کند و در واقع، یک بمب ساعتی درست در مرزهای روسیه و نچندان دور از پایتخت آن تلقی می‌گردد.

در این شرایط، با توجه به تمامی زیان‌ها و سختی‌های متحمل شده، برای روسیه کافی نیست که کنترل آنچه را که زمانی نووروسیا نامیده می‌شد، سواحل شمالی بحیره سیاه تا ترانس نیستریا را به‌دست آورد. این بدان معنی است که اوکراین به‌طور کامل از آب قطع خواهد شد و روسیه - گمان می‌رود - بخش بزرگی از خاک اوکراین و میلیون‌ها شهروند جدید را از طریق یک همپرسی به‌دست خواهد آورد. البته برای رسیدن به این هدف، نیروهای روسی همچنان نیاز به تصرف نیکولایف و اودسا در جنوب و همچنین خارکف در شرق دارند. گام بعدی منطقی، گسترش کنترل روسیه به تمام اوکراین در شرق رودخانه دنیپر و همچنین شهر کیف است که عمدتاً در ساحل راست قرار دارد. اگر این اتفاق بیفتد، دولت اوکراین به مناطق مرکزی و غربی کشوری کوچک می‌شود.

با این حال، هیچ یک از این نتایج به مشکل اساسی که پوتین برجسته کرده است، نمی‌پردازد، یعنی این که روسیه باید در کنار دولتی زندگی کند که دائماً به‌دنبال انتقام است و مورد استفاده ایالات متحده قرار خواهد گرفت که در تلاش برای تهدید و تضعیف روسیه، آن را تسلیح و هدایت می‌کند. این اصلی‌ترین دلیل پشت استدلال برای تسخیر کل خاک

اوکراین تا مرز پولند است. با این حال، ادغام اوکراین مرکزی و غربی در روسیه بسیار دشوار خواهد بود، در حالی که تلاش برای ایجاد یک دولت حائل اوکراینی تحت کنترل روسیه، تخلیه عظیم منابع و دردهای مداوم خواهد بود. جای تعجب نیست که برخی در مسکو بدشان نمی‌آید که پولند غرب اوکراین را در قالب یک نهاد سیاسی مشترک جذب کند که به ادعای اطلاعات خارجی روسیه، مخفیانه ایجاد شده است.

آینده اوکراین، البته نه به خواست کسی، بلکه با تحولات واقعی در میدان جنگ تعیین خواهد شد. مبارزه در آنجا برای مدتی ادامه خواهد داشت و نتیجه نهایی در چشم‌انداز نیست. حتی اگر مرحله فعال درگیری‌ها به پایان برسد، بعید است که راحل صلح‌آمیزی را به‌دنبال داشته باشد. به دلایل مختلف، هر یک از طرفین درگیری را بسیار گسترده‌تر از اوکراین و وجودی می‌دانند. این بدان معناست که اهداف روسیه باید به‌دست بیاید و سپس محکم نگه داشته شود.

*- دیمیتری ترنین ، استاد پژوهشی در مدرسه عالی اقتصاد و پژوهشگر ارشد در مؤسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل است. او همچنین عضو شورای امور بین‌الملل روسیه است.